

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۳۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷

تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸

توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز
تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم
تلفن: ۴۴۵۲۳۷۲۵

www.sharghdaily.ir

شنبه ۸ مهر ۱۴۰۲ • ۱۴ ربیع‌الاول ۱۴۴۵ • ۳۰ سپتامبر ۲۰۲۳ • سال بیست‌ویکم • شماره ۴۶۵۹ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۱:۵۴ • اذان مغرب ۱۸:۰۸

اذان صبح فردا ۴:۳۵ • طلوع آفتاب ۵:۵۹

شرق

دیالوگ روز

سرباز بازی تاج و تخت - فصل دوم - ۲۰۱۱

تیریون لیسستر (پیتر دینکلجک): هر روز که یک زندانی به زندانی‌های ما اضافه بشه،

محبوبیت و احترام‌مان در بین مردم کمتر می‌شه.

یادداشت

هیئت منصفه یا تماشاچی؟



معین شرقی

مدرس دانشگاه

بر اساس قوانین موضوعه کشور، رسیدگی به جرائم مطبوعاتی مطابق ماده ۴۳ قانون مطبوعات باید با حضور هیئت منصفه صورت گیرد.

این مقرره استثنائی و خاص در حقوق کیفری ایران به جهت رعایت برخی مباحث و حساسیت‌ها وضع شده است.

در نظام‌های حقوقی استاندارد و مترقی، هیئت منصفه با حضور نمایندگان اقشار مختلف جامعه تشکیل می‌شود؛ به نوعی که بازتاب‌دهنده نظرات تمام جامعه باشد. هرچند مقررات خاص انتخاب اعضای هیئت منصفه در کشور ما تا اندازه‌ای توازن مردمی‌بودن آن را مختل کرده است، اما به هر حال وجود هیئت منصفه با سازوکار خاصی که نظر جمعی آن برای قضات لازم‌الرعایه باشد، تضمین‌کننده حقوق بشر پیشرو است. ماهیتا در راستای فرض برائت نظریه هیئت منصفه در تمام نظام‌های دقیق حقوقی دنیا برای دادگاه و قاضی در حالت اعتقاد بر برائت افراد لازم‌الرعایه است. در نظام حقوقی ایران نیز بر اساس تفسیری منطقی و به دور از احساس از ماده ۴۳ قانون مطبوعات و تبصره‌های آن چنین برداشتی می‌شد که در فرضی که هیئت منصفه نسبت به متهم مطبوعاتی نظر به برائت داشت، دادگاه هم می‌بایست بر اساس نظر هیئت منصفه و در راستای تفسیر منطقی و اصول کلی فلسفه تشکیل این نهاد، متهم را تبرئه کند.

این امر از سیاق ماده ۴۳ قانون مطبوعات که بیان می‌کند:

«پس از اعلام ختم رسیدگی بلافاصله اعضای هیئت منصفه به شور پرداخته و نظر کتبی خود را در دو مورد زیر به دادگاه اعلام می‌دارند: الف- متهم بزهکار است یا خیر؟

ب- در صورت بزهکاری آیا مستحق تخفیف است یا خیر؟

نیز قابل استنباط است.

اما درباره وجود نظرات متعارض در دادگاه‌ها با عنایت به تبصره ۲ ماده مذکور که در مقام تشریح امری استثنائی و در راستای حقوق متهم وضع شده است، هیئت عمومی دیوان عالی کشور در اقدامی عجیب و با تعداد آرای اندک رای وحدت رویه‌ای را صادر کرد که بر مبنای آن دادگاه‌ها در مقام رسیدگی به جرایم مطبوعاتی تکلیفی به رعایت نظر هیئت منصفه ندارند.

تبصره مذکور بیان می‌دارد:

در صورتی که تصمیم هیئت منصفه بر بزهکاری باشد، دادگاه می‌تواند پس از رسیدگی رای بر برائت صادر کند.

این تبصره فرض خاص و معکوسی را در نظر گرفته که مساعد به نفع متهم و در راستای پذیرش فرض برائت است.

با این اوصاف، به نظر می‌رسد هیئت عمومی دیوان عالی کشور در راستای حفظ استقلال قضائی قضات یا تحت تأثیر احساسات قدرت و مصونیت قضائی چنین رای وحدت رویه‌ای را صادر کرده است که هم شأن هیئت منصفه در رسیدگی کیفری را به تماشاچی تنزل داده و هم تفسیری خارج از منطق و فلسفه نهاد مذکور را در پی داشته است.

دغدغه خوانی

پرسش مهر یا پویش مهر



رحیم عبادی

معاون اسبق وزارت آموزش و پرورش*

در آستانه شروع سال تحصیلی جدید آقای رئیس، رئیس‌جمهور پویش مهر را جایگزین پرسش مهر در آموزش و پرورش کرد و یک سنت حسنه تعلیم و تربیتی را که بیش از ۲۶ سال سابقه طراحی و اجرا در آموزش و پرورش داشته و دارای الزامات قانونی از سوی شورای عالی آموزش و پرورش بود، کنار نهاد و مفهوم جدیدی را جایگزین آن کرد. اینجانب به عنوان فردی که از ابتدا در جریان پرسش مهر در آموزش و پرورش بودم، لازم دیدم نکاتی را یادآوری کنم:

۱- پیشینه: پرسش از دانش‌آموزان برای نخستین بار توسط آقای خاتمی رئیس‌جمهور اسبق در آغاز سال تحصیلی ۱۳۷۶ در روستای بنمار استان اردبیل با دو پرسش مهم بنیان گذاشته شد و در آن بیش از ۶.۵ میلیون دانش‌آموز به سؤالات ایشان پاسخ دادند و حاصل پرسش‌ها در مراسمی با حضور رئیس‌جمهور در یک مراسم سه‌ساعته ارائه شد و این طرح که ابتدا با نام طرح بنمار آغاز شده بود، با تصویب شورای عالی آموزش و پرورش هرساله با عنوان پرسش مهر توسط رؤسای‌جمهور وقت از دانش‌آموزان و معلمان انجام

می‌شده و طی سال‌های گذشته دستاوردهای فراوان تربیتی، آموزشی، اجتماعی و فرهنگی را برای آموزش و پرورش به همراه داشته است.

۲- قانون مصوب شورای عالی آموزش و پرورش: اجرای پرسش مهر یک تکلیف قانونی از سوی شورای عالی آموزش و پرورش است که به منظور توسعه و تقویت فرهنگ پژوهش، جست‌وجوگری، مشارکت‌جویی و ارتقای سطح بینش دانش‌آموزان و ایجاد شور و نشاط و شادابی در مدارس، در مراسم بازگشایی و سال تحصیلی، پرسش‌هایی متناسب با شرایط زمانی و موقعیت اجتماعی توسط عالی‌ترین مقام اجرایی کشور (رئیس‌جمهور) متناسب با مطالعات و پژوهش‌های دفتر رئیس‌جمهوری برای دانش‌آموزان و معلمان سراسر کشور مطرح و از آنان خواسته می‌شود در فرصت مقتضی پاسخ‌های لازم را ارائه کنند و این نادیده‌گرفتن قوانین مصوب است. جالب است بیان شود که رئیس‌جمهور براساس قانون مصوب مجلس رئیس شورای عالی آموزش و پرورش است!!

۳- فلسفه پرسش مهر: مهم‌تر از الزام قانونی توجه به فلسفه پرسش مهر در برنامه‌های آموزش و پرورش است. پرسش مهر با اهداف متعالی ازجمله تقویت مهارت پرسشگری در میان دانش‌آموزان، ایجاد ارتباط و تعامل مؤثر میان دانش‌آموزان و معلمان، ایجاد نشاط و شادابی و تحرک در مدارس و دانش‌آموزان برای انجام کارهای تحقیقاتی، افزایش روحیه انجام کار گروهی و تقویت هویت اجتماعی دانش‌آموزان، شناسایی و کشف و پرورش استعداد‌های برتر

در عصر روایتگری رسانه‌های دیجیتال، باید است مشخصی را رعایت کرد که مخاطب (به‌ویژه مخاطبی که پس از جنگ به دنیا آمده) تشویق به پیگیری روایت‌ها و داستان‌ها شود. همین مشکل است که بعد از این همه سال از پایان جنگ هشت‌ساله، هنوز تعداد مستندها درباره شکست حصر آبادان از تعداد مستندهای ترجمه‌شده، زیرنویس‌شده و منتشرشده از نبرد استالینگراد در جنگ جهانی دوم کمتر است.

آگاهی بسیاری از جوانان ما از جزئیات نبرد وردان (در جنگ

جهانی اول) یا نبرد مسکو (در جنگ دوم) بیشتر از نبردهای حماسه‌انگیز کشور خودشان است.

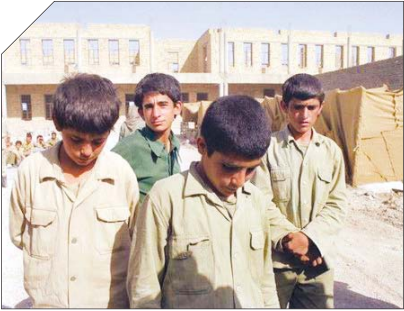
برخی معتقدند که انتقال پیام باید از طرف راولیان واقعی و رزمندگان و یادگاران آن واقعه صورت گیرد تا زوایای ناشناخته و پنهان پیام با حرارت حداکثری و دل‌سوختگی کامل آشکار و به نسل‌های بعدی منتقل شود.

این برداشت غلطی است که بر روح روایتگری جنگ سایه انداخته است. روایتگری جنگ صرفاً ثبت خاطرات و ارزش‌های بی‌بدیل و حماسه‌وار دوران دفاع مقدس نیست (هرچند آن هم کاملاً ضروری و لازم و ارزشمند است). کار به آنجا رسیده که حتی برای روایتگری جنگ هشت‌ساله نوعی «قداست روایتگری» ایجاد شده است، غافل از آنکه فیرد راوی هرگز «مورخ» نبود و تاریخ نیز تقلیل‌پذیر به روایت نیست.

همین نگاه‌هاست که باعث شده هرگونه خلاقیت در روایتگری از دست برود و انحصار آن در دست عده معدودی قرار گیرد.

اهمیت روایتگری از نظر تمایز با داستان در این است که در روایتگری اساساً جنبه‌ها و ابعاد هر روایت داستانی است که موجب گذار پیرنگ روایت از یک موقعیت به موقعیت دیگر می‌شود.

هرکسی که در جنگ شرکت داشته، الزاماً با نظام‌های حاکم بر روایت‌های گوناگون، شناسایی عناصر ساختاری و حالت‌های نوجوانی خود تجربه کرده است، در مقایسه با نسلی که هیچ مواجهه زنده و عینی از جنگ نداشته، هرکدام به مراتب مختلفی از روایتگری و تولید محتوا نیاز دارند.



آن تصویر بزرگ‌تر که همانا گونه‌های روایی و وجوه تحلیلی گفتمان جنگ است، از دست خواهد رفت و کل ماجرا در قالب تحلیل‌های اپیزودیک به دام می‌افتد. عنصر روایت را می‌توان نوعی ابزار بیانی در خدمت گونه‌های مختلف ادبی و هنری دانست؛ اما منحصر به آن نیست.

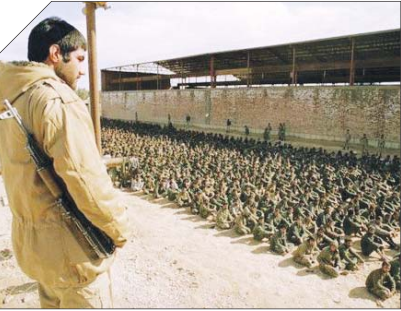
«زُرار زانت» معتقد است سخن روایی در سه سطح «داستان»، «روایت» و «روایتگری» اتفاق می‌افتد که هرکدام دارای سطوح مختلف و متمایزی هستند.

به نظر می‌رسد که اقداماتی در رسانه ملی با هدف تنوع روایتگری از جنگ صورت گرفته و به این منظور سلسله برنامه‌ای با رویکرد تاریخی در حال تولید و پخش است که تاکنون قریب ۹۰ قسمت آن منتشر شده است.

ضمن تجلیل از این اقدام باید مواظب بود که از آن سوی بام نقتیم. این حدود ۹۰ قسمت (هرکدام کمتر از یک ساعت) تاکنون به نبردهای داخل شهر آبادان رسیده (یعنی در همان دو، سه ماه ابتدای جنگ و بعد از حماسه مقاومت خرمشهر) و اگر به همین صورت جلو برود، چه‌بسا در انتهای جنگ به هزار قسمت هم برسد. کدام جوان نسل نو حاضر می‌شود این تعداد ساعات را برای مطالعه جنگ اختصاص بدهد؟

هر رسانه مقتضیات خاص خود را دارد. اقتضای آن که جنگ را برای کار استراتژی نظامی مطالعه می‌کند، با آن که همین پدیده را برای مطالعات تاریخی می‌پژوهد، فرق دارد. کسی که به دنبال روایت مستند تصویری برای مخاطبان جمعیت جوان و «جنگ‌نیده» است، به وجوب و احتیاجات متفاوتی نیاز دارد تا کسی که روایتی در قالب کتاب و متن تولید می‌کند.

به هر حال امید می‌رود تغییر و تحولات لازم درباره شیوه‌های روایتگری ایجاد شود. فقط در همین صورت است که تولید محصولات رسانه‌ای متنوع (به‌ویژه مستندهایی که ساتار نریشن‌های متعارف، بی‌طرفانه، واقعی و به دور از افسراط و تفریط داشته باشند) در دستور کار قرار خواهد گرفت.



● عکس: مهر



● ساخت سدهای مختلف بر روی هیرمند برای انحراف آب، ندادن حقایع هامون توسط طرف افغانستانی و به کارگیری انواع بمب جهت کشاورزی در آن طرف مرز از یک سو و کاهش باران های فصلی و تغییرات آب وهوایی جهان از سوی دیگر، خشک شدن دریاچه هامون را به دنبال داشته است.

عکس: محمدعلی برونو/ایرنا

تحلیل‌خوانی

ارزیابی مدیران، نکته فراموش شده



سیدمحسن هاشمی

کارشناس فرهنگی

در مطالعه نشست نقد و بررسی سینمای ایران که در یکی از پردیس‌ها با محوریت آقایان قادری و جبرانی در جریان است نگرش این مطلب به ذهنم رسید: «ارزیابی مدیران یا جریان‌های مدیریتی». برای ارزیابی دورانی از مدیریت چه اشخاص و چه جریان‌ها به نظرم دانستن چند مؤلفه و تعیین نسبت آنها با مدیریت‌های مشابه چه داخلی و چه خارجی ضروری است.

- نخستین مؤلفه بررسی اطلاعات از امکانات موجود در دوره مورد ارزیابی نظیر کمیت و کیفیت منابع انسانی، میزان تجهیزات و البته منابع مالی در اختیار است.

- دیگری مطالعه و بررسی مأموریت و اهداف مصوب/پذیرفته‌شده سازمان است. برای مثال از سازمانی با مأموریت الف نمی‌توان انتظار انجام خدمات پ را داشت.

- نکته سوم برنامه اعلامی مدیریت در اوان تصدی چه بوده است؟ حفظ وضع موجود، ارتقای کمی، افزایش کیفی یا در سطح کلان‌تر تغییر مأموریت با بازطراحی سازمان و اهداف؟ - توجه به امر آموزش و ارتقای دانش و تربیت منابع انسانی از جمله مؤلفه‌های ضروری برای ارزیابی دوره مدیریت یک سازمان انسانی است.

- و دست آخر مدت زمان ایقای مدیر یا بازه زمانی جریان مدیریت در اداره یک سازمان است. بدیهی است که مدیر یا جریان مدیریتی که مدت‌زمان بیشتری امکان تداوم و بقا داشته بی‌شک احتمال انجام مجموعه خدمات مطلوب و تأثیرگذاری بیشتر به نسبت مدیر یا جریان مدیریتی را که زمان کمتری در اختیارش بوده، دارد. در این باره من اصطلاحی برساخته‌ام که اگر یک موجودی را بیش از یک سال سر چهارراهی بگذارند قطعاً با دریافت این حجم از اطلاعات گردش خودروها می‌توانند نقش انتظام‌بخشی را تا حدودی ایفا کند. همین مطلب درباره مدیر یا جریان مدیریتی که بیش از چهار، پنج سال در کوران اطلاعات یک سازمان و محیطش قرار می‌گیرد امکان درک آگاهی و ساخت الگوی مناسب برای اداره یک سازمان را به مراتب بیشتر از دیگران دارد.

بر این مبنا برای ارزیابی مدیران یا جریان‌های مدیریتی رعایت این پنج مؤلفه بالا را ضروری می‌دانم. به این ترتیب چه بسا که مدیری یا جریان مدیریتی در بازه زمانی کوتاه با تأثیرگذاری در مأموریت و ختم‌شنسی سازمان یا طراحی و تحقق اهدافی تازه با مؤثر در تربیت و بالندگی منابع انسانی از مدیری با خدمات کیفی مطلوب در بازه زمانی طولانی، مفیدتر و تراز بالاتری کسب می‌کند.

در سطح ملی است.

د: سازمان دانش‌آموزی: تأسیس سازمان دانش‌آموزی نخستین ثمره پرسش مهر دانش‌آموزان در سال ۱۳۷۶ بود آن‌گاه که شور و شوق دانش‌آموزان با مشارکت گسترده آنان (بالای ۶.۵ میلیون نفر) به سؤالات رئیس‌جمهور خاتمی پاسخ دادند. براساس درخواست مسئولان آموزش و پرورش و با هدف گسترش مشارکت دانش‌آموزان در برنامه‌های آموزشی و تربیتی، سازمان دانش‌آموزان به عنوان یک نهاد ملی و پشتیبان فعالیت‌های دانش‌آموزی تصویب و اجرا شد و توانست طی بیش از دوده خدمات فراوانی را به جامعه دانش‌آموزی عرضه کند.

۶- اما چرا جناب رئیس‌جمهور پویش مهر را جایگزین پرسش مهر کردند؟

سه پاسخ قابل پیش‌بینی است: نخست آنکه حذف برنامه پرسش مهر ناشی از کم‌اطلاعی مسئولان مربوطه در وزارت آموزش و پرورش بوده که در چنین شرایطی می‌توان به جبران این اشتباه راهبردی امیدوار بود. در حالت دوم، خرق عادت باشد بدین معنی چون گذشتگان یعنی رؤسای‌جمهور گذشته (حقاقل سه رئیس‌جمهور با گرایش‌های متفاوت و بعضاً متضاد) بر این سنت تعلیمی و تربیتی پایبند بودند، ایشان ترجیح دادند بعد از ۲۶ سال اجرای پرسش مهر خرق عادت کنند. در حالت سوم، حذف پرسش مهر به دلیل رویکرد آگاهانه رئیس‌جمهور و وزارت آموزش و پرورش نسبت به تعطیلی برنامه پرسشگری دانش‌آموزان در امور آموزشی و پرورشی و امور اجتماعی و سیاسی جامعه است و خواسته‌اند طرحی نو دراندازند. امید است مسئولان به عواقب تصمیمات خود عنایت بیشتری داشته باشند.